



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شفاغت در تفسير

مناهج البيان

زهرا غروي نائيني

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شفاعت در تفسیر مناہج البیان

نویسنده:

نہلا غروی نائینی

ناشر چاپی:

سفینہ

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ‌ای قائمہ اصفہان

فهرست

۵	فهرست
۶	شفاعت در تفسیر مناہج البیان
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	مقدمه
۶	شفاعت چیست؟
۷	واژه شفاعت
۷	حق شفاعت
۷	انواع شفاعت
۷	اشاره
۸	آیات نفی شفاعت
۸	آیات اثبات شفاعت
۹	تکمله
۱۰	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شفاعت در تفسیر مناہج البیان

مشخصات کتاب

عنوان: شفاعت در تفسیر مناہج البیان

پدیدآورنده: نهلا غروی نائینی

نشریه: سفینه

شماره نشریه: ۱

سال: ۱۳۸۲

ماه: ۱۰، ۱۱، ۱۲

تعداد صفحه: ۱۱۷-۱۲۴

زبان: فارسی

موضوع: تفاسیر شیعه - مناہج البیان - مباحث کلامی - شفاعت - آیات -

چکیده

یکی از مباحث اعتقادی مسلمانان - که به دلیل اهمیت فراوان، محلّ بحث و گفتگوی زیادی بوده و هست - بحث شفاعت است. مرحوم آیه الله ملکی میانجی در تفسیر مناہج البیان، مانند دیگر مفسران، در باب شفاعت، مباحثی آورده، که در این گفتار، به آن مباحث اشاره می‌شود. برای تکمیل فائده، عناوین بحث تفصیلی آیه الله ملکی در کتاب دیگر او (بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام) نیز ارائه شده است.

مقدمه

یکی از مباحث اعتقادی و کلامی در طول تاریخ مسلمانان، مسئله شفاعت است که قرآن کریم در آیات متعدد درباره آن سخن گفته است. ادیان الهی دیگر نیز متذکر آن بوده‌اند، لکن انسانها بر اساس مشربها و پیش فرض‌ها و مکاتب خود، هر یک به نوعی درباره آن اعتقاد داشته‌اند. مفسران قرآن نیز اغلب موضوع شفاعت را مطرح کرده و درباره آن نظر داده‌اند. ایشان نیز بر اساس اعتقادات فرقه‌ای و گروهی خویش درباره وجود یا عدم شفاعت - و به عبارت دیگر در اثبات یا نفی آن - به بحث‌های کلامی پرداخته‌اند. یکی از مفسران و علمای معاصر عالم تشیع، مرحوم شیخ محمد باقر ملکی میانجی (۱۳۷۷-۱۲۸۵ ش) است که تفسیری به زبان عربی بر چهار جزء اول و دو جزء آخر از قرآن کریم به نام «مناہج البیان فی تفسیر القرآن» نگاشته است. ایشان نیز در تفسیر خویش در چند مورد به دلیل وجود آیات مربوط به شفاعت، به بیان این مسئله پرداخته است. وی با استناد به [صفحه ۱۱۷] آیات قرآن کریم و به سبب مالکیت مطلق حق تعالی، انجام هرگونه شفاعت - چه در دنیا، چه برزخ، چه قیامت و بطور کلی در هر مرحله - را تنها به اذن الهی می‌داند و می‌گوید که این اذن علاوه بر فضل باری تعالی، به سبب لیاقت و شایستگی شفاعت کننده و شفاعت شونده خواهد بود. این مقاله بیانات مفسر را به صورت ذیل تقسیم و بیان کرده است.

شفاعت چیست؟

درخواست کننده با اصرار و ابرام بر اساس طبیعت خویش برای رسیدن به مقصودش، دیگری را که نزد صاحب قدرت مقرب تر و نزدیکتر و دارای منزلت و مقام است به خود ضمیمه می کند تا برای درخواست و پافشاری در برابر صاحب قدرت کمک و یاریش کند. این مطلبی است که میان خردمندان از ملتها و مردمان دیگر نیز پذیرفته است. (ملکی، مناهج، ج ۱، ص ۲۲۶)

واژه شفاعت

در بیان واژه شفاعت، مفسر از کتابهای لغت همچون اساس البلاغه، لسان العرب، مجمع البحرین و النهایه بهره جسته و می نویسد: الشفع: خلاف الوتر و هو الزوج (لسان العرب). شفعت الشيء شفعاً من باب نفع یعنی ضممته الى الفرد (مجمع البحرین). کان و ترأ فشفعته بآخر، و هو مشفوع به (لسان البلاغه). شفع يشفع شفاعه فهو شافع و شفيع و المشفع: الذي يقبل الشفاعه، و المشفع: الذي تقبل شفاعته (النهایه، به نقل: مناهج، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ج ۳، ص ۱۰).

حق شفاعت

نزد خردمندان واضح است که خداوند سبحان در همه شؤون الوهیت و ربوبیت یکتاست و همه امور مخلوقات و شؤون تکوینی و تشریحی ملک مطلق اوست و از ازل تا ابد در دنیا و آخرت به او باز می گردد. ظهور این مالکیت در آخرت - که کسی را در آنجا قدرتی نیست - آشکارتر و واضح تر است و اگر در این دنیا مالکیت و یا سلطنت یا قدرتی را به کسی بخشید، در قیامت همه از قدرتها و مایملک دنیایی تهی می شوند و همه قدرتها و سلطه‌ها و نعمت‌هایی که [صفحه ۱۱۸] به صورت امانت در دست آنها بود، به مالک اصلی و بخشنده آن یعنی خدای ملک حق قیوم باز می گردد. همان گونه که در قرآن می فرماید: «مہطعین مقنعی رؤوسهم لا یرتد الیہم طرفہم و افتدہم ہواء» (ابراہیم، ۴۳). مفسر برای تحکیم بیان خود از آیه ۱۶ سوره مؤمن و امثال آن استمداد می طلبد که می فرماید: «یوم ہم بارزون لا- یخفی علی اللہ منہم شیء لمن الملک الیوم للہ الواحد القہار» روزی که آنها نمودارند، بر خدا چیزی از ایشان پنهان نماند. در آن روز پادشاهی از آن چه کسی است؟ از آن خدای یکتای چیرگی جو (مناهج، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ج ۳، ص ۱۰). حق این است که شفاعت و تصرف در عفو یا عقوبت بندگان با عدل و فضل حق تعالی و مطلقاً از آن اوست. شکی نیست در این که خداوند سبحان، مالک بخشش و مجازات کردن بندگان است، بدون اینکه کسی توانایی یا قدرتی در برابر او داشته باشد و اگر شفیعان برای فردی شفاعت کنند، این از مالکیت و قدرت حق تعالی نمی کاهد زیرا خداوند که مالک عفو و عقاب است در مرتبه شفاعت هم می تواند ببخشد و می تواند نبخشد یعنی شفاعت را بپذیرد یا نپذیرد (همان، ج ۱، ص ۲۲۷). مرحوم میانجی در ضمن تفسیر، گاه کلامی از استادش [۱] - با تعبیر «شیخ ما» - می آورد، چنانکه در این مورد هم می نویسد: شیخ ما می گفت: «آنچه درباره اثبات شفاعت آمده از تشابهات است که روش گذشتگان به تفویض و تسلیم امر شفاعت بود و این مزیتی است که خداوند در روز قیامت به هر که بخواهد این امکان را می دهد. ما از معنی شفاعت به حقیقت آگاه نیستیم و هنگامی که درباره نسبت شفاعت به خداوند صحبت می کنیم، مقام او جل جلاله منزّه است از معنای شفاعتی که در اذهان مردم شناخته شده است» (مناهج، ج ۱، ص ۲۲۷). [۲].

انواع شفاعت

اشاره

از سخنان مفسران در تفسیر آیات مربوط به شفاعت، حاصل می شود که آیات شفاعت بر دو نوع است، یک گروه آیاتی که

شفاعت را جز برای خداوند به کَلِّی نفی می‌کنند و گروه دیگر آیاتی [صفحه ۱۱۹] که شفاعت را اثبات می‌کنند.

آیات نفی شفاعت

برخی از مفسران مانند صاحب تفسیر المنار با استناد به برخی آیات، شفاعت را به طور کَلِّی منتفی می‌دانند، مانند: «لا بیع فیہ و لا خَلَّةٌ و لا- شفاعه» در آن روز، سوداگری و دوستی و شفاعت نیست (بقره، ۲۵۴) «فما تنفعهم شفاعة الشافعين» شفاعت شفاعت کنندگان سودشان ندهد. (تکویر، ۴۸) مفسر مناهج البیان می‌نویسد: با مطالبی که درباره مالکیت مطلق حق تعالی آوردیم، ضعف گفته صاحب المنار آشکار است. زیرا آیاتی نشان دهنده این است که شفاعتی وجود دارد. مانند آیه: «من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه» کیست که بدون اذن او (الله) نزدش شفاعت کند. (بقره، ۲۵۵) مرحوم میانجی، نفی شفاعت را در مورد کسانی می‌داند که از روی هوی و هوس و خرافات خویش برای حق تعالی شریک قائل بودند و در پرستش و عبودیت، بت‌ها و امثال آن را مد نظر داشتند. لذا آیات قرآن می‌فرماید که در روز دین و روز حساب - روزی که همه حقیقت‌ها برای همه روشن می‌شود - هیچ شفیع و یآوری نخواهند داشت. و در بیان آن، آیات زیر را شاهد می‌آورد: و ترکتم ما خولناکم وراء ظهورکم و ما نری معکم شفعاء کم الذین زعمتم أنهم فیکم شرکاء لقد تقطع بینکم و ضل عنکم ما کنتم تزعمون (انعام، ۹۴) لا بیع فیہ و لا خَلَّةٌ و لا شفاعة (بقره، ۲۵۴). مفسر می‌نویسد: قطع شدن اسباب و چاره و هرگونه وسیله‌ای در روز قیامت و آشکار شدن قدرت الهی بر دشمنانش و خوار کردن آنها در آن روز، حق کفار است. نیز می‌فرماید: «واتقوا یوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً و لا یقبل منها شفاعة و لا یؤخذ منها عدل و لا هم ینصرون» بترسید از روزی که هیچ نفسی به جای نفس دیگر جزا داده نشود و از او شفاعتی پذیرفته نگردد و از او عوضی نگیرند و یاری نشود. (بقره، ۴۸) مشرکانی که بت‌ها را به جای خداوند می‌پرستیدند و آنها را شفیع قرار می‌دهند بدانند که بت‌ها هیچگونه استقلالی در امر شفاعت ندارند (مناهج، ج ۳، ص ۱۱). مرحوم میانجی آیه ۵۳ سوره اعراف را برای بیان حال مشرکان در قیامت شاهد می‌آورد که می‌گویند: «فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا» آیا شفیعانی هستند که برای ما شفاعت کنند؟ در آیه [صفحه ۱۲۰] سوره انعام نیز می‌فرماید: «لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع لعلهم یتقون» غیر از او ولی و شفیع ندارند، بسا که تقوا پیشه کنند. و در آیه ۱۸ یونس می‌فرماید: «و یعبدون من دون الله ما لا یضرهم و لا ینفعهم و یقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله» جز خدا چیزی را که نه زیانی برایشان دارد و نه نفعی عبادت می‌کنند. (همان، ج ۱، ص ۲۲۸) بنابراین نفی شفاعت یعنی نفی شفاعتی که بدون اجازه و امر الهی باشد (همان، ج ۳۰، ص ۲۴۰) ذیل آیه ۲۵۵ بقره که می‌فرماید: «من ذا الذی یشفع عنده» مفسر می‌نویسد: استفهام استفهام انکاری است، یعنی کسی قادر نیست که نزد خدا شفاعت کند، زیرا شفاعت، دخالت و تصرف در امور تکوینی است و اثر نمی‌کند و عمل نمی‌کند مگر به خواست و قدرت حق تعالی. اینکه پس از آن می‌فرماید: «الا باذنه» استثنا از نفی مطلق است. بدیهی است که استثنا در مسئله‌ای نفی شده، اثبات برای چیزی از آن است و آیه مبارکه نص صریح در نفوذ شفاعت و جواز آن و رخصت شفاعت با اجازه حق تعالی دارد، بعد از آنکه این حق را به افرادی از بندگان صالح تملیک کرده است. بنابراین آیاتی از قرآن کریم وجود شفاعت نزد حق تعالی را اثبات می‌کند (همان، ج ۳، ص ۱۳).

آیات اثبات شفاعت

آیاتی از قرآن کریم، وجود شفاعت را اثبات می‌کند. مانند: «قل لله الشفاعة جمیعاً له ملک السموات و الأرض ثم الیه ترجعون» بگو همه شفاعت از آن خداست، پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست، سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید. (زمر، ۴۴) همچنان که گفته شد، شفاعت جزء مالکیت و الوهیت حق تعالی است. لکن خداوند، اجازه شفاعت را به افراد خاصی داده است. این افراد، کسانی هستند که درباره آنها می‌فرماید: «یومئذ لا تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن و رضی له قولاً» در آن روز شفاعت سود ندهد

مگر کسی را که خدای مهربان به او اذن داده و از گفتار برای او رضایت دارد (طه، ۱۰۹) همچنان که آیه می‌فرماید، این اجازه شفاعت به تملیک حق تعالی است و کسی می‌تواند شفاعت کند که خداوند از او راضی باشد و این رضایت حاصل نمی‌شود مگر در فعل و عقائد آنها یعنی رضایت از دینشان. (همان، ج ۱، ص ۲۲۹) شفاعت کردن آنها هم برای هر فردی نیست بلکه برای افرادی [صفحه ۱۲۱] که خداوند اجازه شفاعت کردن برای آنها را هم بدهد، چنانکه قرآن می‌فرماید: «و نسوق است المجرمین الی جهنم وردا. لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا» (مریم، ۸۶ - ۸۷). مفسر در بیان این آیه در ادامه بحث شفاعت می‌نویسد: ضمیر فاعلی در کلمه «لا یملکون» اگر به شفاعت شوندگان برگردد، همانگونه که ظاهر است، شفاعت شامل حالشان نمی‌شود و اثری برایشان ندارد مگر به شرط اینکه میان حق تعالی و آنها پیمان یا قراری بوده باشد، که برای برقراری پیمان، چاره‌ای نیست مگر اینکه آن فرد، از صالحان باشد. اما اگر ضمیر به شفاعت کنندگان برگردد، اشکالی برای استدلال پیش نمی‌آید. در هر دو حال، حرفی نیست که به تصریح آیه، اجازه شفاعت از آن الله جل جلاله است. در تأیید اینکه چه کسانی می‌توانند شفاعت کنند، مرحوم میانجی این آیه را کمک می‌گیرد: «و کم من ملک فی السموات لا تغنی شفاعتهم شیئا الا- من بعد أن یأذن الله لمن یشاء و یرضی» (نجم، ۲۶) آیه کریمه بیان می‌کند که ملائکه برای هر که خدا بخواهد و از دینش راضی باشد، شفاعت می‌کنند. واضح است که ایمان و عمل صالح موجب رضای خداوند است و حق تعالی از کفر و عمل زشت بندگانش راضی نمی‌شود. در ادامه این نظر، این آیه را نیز شاهد می‌آورد: «و لا- تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له حتی اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحق و هو العلی الکبیر» شفاعت نزد او سود ندهد جز برای کسی که اجازه به او داده شد تا گاهی که گرفته شود هراس از دلهای آنها، گویند پروردگارتان چه گفت؟ گویند حق را و اوست برتر بزرگوار. (سبأ، ۲۳) معنای آیه نزدیک به استدلال ماست، که شافعان باید اذن شفاعت در حق کسی داشته باشند تا شفاعت آنها پذیرفته شود. و برای بیان شرط آنان آیه را شاهد می‌آورد: «و لا یملک الذین یدعون من دونه الشفاعة الا من شهد بالحق و هم یعلمون» آنان که جز وی (خدا) را خوانند دارای شفاعت نیستند جز آنکه به حق گواهی دهد و ایشان می‌دانند. (زخرف، ۸۶) استثنا، استثنای منقطع است، زیرا میان آنان که بتها و الهه‌های باطل را می‌خوانند و پرستش می‌کنند، با کسانی که به حق شهادت می‌دهند و قسط و عدل به پا می‌دارند و ربانیون ملتها و امتهای هستند، هیچگونه مشارکتی و مشابهتی نیست. افزون بر آن، آیه بیانگر این است که گروه دوم اجازه شفاعت را از جانب الهی دریافت داشته‌اند (همان، ج ۱، ص ۲۲۹). بنابراین، شفاعت ثابت شده، شفاعتی است که به اجازه و امر الهی باشد، خواه در دنیا یا برزخ [صفحه ۱۲۲] و بعد از آن در آخرت و جایگاه‌های مختلف و نهایی از آخرت. گنهکاران فقط به امر الهی مورد شفاعت قرار می‌گیرند و شفاعت کنندگان هم تنها با اجازه الهی می‌توانند شفاعت کنند و این است عبودیت حقیقی و توحید خالص (همان، ج ۳۰، ص ۲۴۰).

تکمله

یکی از آثار مرحوم آیه الله ملکی میانجی، کتاب «بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام» است که در آن به تفسیر آیات احکام (فقط باب طهارت و صلاۀ) پرداخته است. در این کتاب، گاهی اوقات به اقتضای تفسیر بعضی از آیات، مباحثی پیرامون عقاید آورده است. از آن جا که صدر آیه ۷۹ سوره اسراء، «و من اللیل فتهجد به نافله لک» در بیان اوقات نمازها است و ذیل آن «عسی أن یبعثک ربک مقاما محمودا» به شفاعت تفسیر شده، مفسر، پس از بحث‌های تحلیلی فقهی در مورد اوقات نمازها، به بحث تفصیلی پیرامون شفاعت می‌پردازد. (بدایع الکلام، ص ۱۷۵ - ۲۱۲). وی، پس از بیان معنی شفاعت (ص ۱۷۵)، کلام محمد عبده را نقل می‌کند (ص ۱۷۵ - ۱۷۶)، سپس به آن جواب اجمالی می‌دهد. آنگاه آیاتی را که بر اثبات شفاعت به اذن الهی برای شفاعت کنندگان و شفاعت شوندگان خاص دلالت دارد، نقل می‌کند، و ذیل هر کدام توضیحاتی بیان می‌دارد. (ص ۱۷۷ - ۱۹۹) این

آیات، شامل ۱۴ آیه است، که آنها را در سه گروه می‌توان جای داد: گروه اول - آیاتی که تصریح دارد شفاعت به اذن الهی شامل افرادِ پسندیده خداوند می‌شود، مانند: «ولا یشفعون الا لمن ارتضى» (انبیاء، ۲۸)، «لا تنفع الشفاعة الا لمن اذن له» (سبأ، ۲۳). این معنی در آیات زیر نیز آمده است: نجم، ۲۶؛ طه، ۱۰۹؛ مریم، ۸۷؛ زخرف، ۸۶؛ بقره، ۲۵۵. گروه دوم - آیاتی است که در آن، استغفار فردی دیگر برای انسان را مفید و عملی پسندیده می‌داند، که این خود، نوعی شفاعت است. از جمله: «سوف استغفر لکم ربی» (یوسف، ۹۸). در این گروه، آیات زیر یاد شده است: نساء، ۶۴؛ غافر، ۷؛ منافقون، ۵؛ آل عمران، ۱۵۹. گروه سوم - آیاتی را در برمی‌گیرد که براساس روایات خاصه و عامه، به شفاعت تفسیر شده است. در این گروه، از دو آیه یاد می‌کند: «عسی أن یبعثک ربک مقاما محمودا» (اسراء، ۷۹)؛ «و [صفحه ۱۲۳] لسوف یعطیک ربک فترضی» (ضحی، ۵) مفسر، پس از بیان چهارده آیه، پنج نکته مهم در بحث شفاعت بیان می‌کند (ص ۱۹۹ - ۲۱۲): (۱) عمومیت و شمول شفاعت در تمام مواطن (دنیا، برزخ، قیامت)، از آیات و اخبار مستفاد می‌شود. مؤلف، روایاتی را که می‌رساند ائمه علیهم السلام در برزخ شفاعت نمی‌کنند، معارض با روایات دیگر می‌داند که اطلاق شفاعت را می‌رساند. و پس از بحث علمی، روایات گروه دوم را ترجیح می‌دهد. (۲) درخواست شفاعت از رسول اکرم و پیامبران اکرم علیهم الصلاة والسلام، بر اساس آیات و روایات، جایز است. (۳) شفاعت آن بزرگواران، علاوه بر آمرزش گناهان، شامل رفع مشکلات، بالابردن درجات و... می‌شود. (۴) آیات و روایات جواز شفاعت، آنها را برای گناهکاران اهل توحید، ثابت می‌کند. اما تقیید و تخصیص آنها به نصوص دیگر بر عهده فقیه است. (۵) در این قسمت، مؤلف به چند پرسش در باب شفاعت پاسخ می‌دهد: الف) آیا بخشیدن جرم مجرمان در قیامت با مصلحت تشریح تضاد دارد؟ ب) آیا شفاعت، تحمیل اراده شفیع است بر حکمی که مجرم را می‌گیرد؟ ج) آیا شفاعت، سبب اغراء مردم بر معصیت و تساهل آنها در طاعت می‌شود؟ و آیا این کار با هدف بعثت منافات ندارد؟ د) عبادت، یعنی تذلل و خضوع در برابر خداوند. پیوند عبادت با شفاعت چیست؟ همین مبحث، خود، به تنهایی، به عنوان رساله‌ای مستقل در باب شفاعت، قابل مراجعه و استفاده است.

پاورقی

[۱] علامه میرزا مهدی غروی اصفهانی (م ۱۳۶۵ق).

[۲] شفاعت در عرف یعنی وساطت است که صاحب آبرو و منزلتی است نزد صاحب قدرتی برای فردی که مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و یا حاجتی دارد، تا از گناه و تقصیر او درگذرند و یا حاجتش را برآورند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

